

بررسی موانع اشتغال زنان روستاهای مناطق در قلمرو کوچ نشینی (مورد مطالعه: روستای سوخسوهاشم در خراسان شمالی)

حسن پارسپور* - استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.
محمد احمدی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۶ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۲ خرداد ۱۴۰۳

چکیده

مقدمه: نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و از آنجاکه روستاها نقش مهمی در توسعه کشورهای جهان سوم بازی می کنند، مهمترین زمینه برای توسعه روستایی، اشتغال زنان است. در واقع این اشتغالزایی است که از مهمترین چالش های سیاست گذاران در توسعه پایدار مناطق روستایی محسوب می شود.

هدف پژوهش: هدف از این پژوهش؛ شناخت وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان روستاهای مناطق کوچ نشین خراسان شمالی و شناخت عوامل مؤثر بر بهبود اشتغال آنان می باشد.

روش شناسی تحقیق: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی می باشد. از نظر روش گردآوری اطلاعات، از مصاحبه و ارزیابی مشارکت روستایی (PRA) و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و آزمون های آمار استنباطی (آزمون تی-تک نمونه ای) و توصیفی (میانگین) استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: مورد مطالعه این پژوهش، روستای سوخسوهاشم در منطقه مرزی شمال استان خراسان شمالی، شهرستان راز و جرگلان می باشد. نمونه گیری این پژوهش از نوع گلوله برفی است و سعی شد با این روش، تمام زنان کارآفرین، متخصص و یا علاقمند به اشتغالزایی (۶۸ نفر) شناسایی و مورد مصاحبه قرار گیرند.

یافته ها و بحث: طبق مطالعات پژوهش، در بعد اقتصادی-مالی، روستای سوخسوهاشم بیشترین مشکل را در خصوص اشتغال زنان داراست و این مشکل را در بعد اجتماعی-فرهنگی، به خوبی شاهدیم. در بعد فردی، مانع عمده ای مشاهده نمی شود و در بعد نهادی-قانونی، شاهد عدم هماهنگی بین اداری و نهادی هستیم.

نتایج: براساس مزیت ها و محدودیت های روستایی، راهبردهایی مثل تسهیلگری و آموزش، ایجاد بازارچه ها و روستابازارها، تسهیل روند اداری اخذ مجوزهای مشاغل، پوشش بیمه ای مناسب، ایجاد صندوق های اعتباری خرد و ترویج فرهنگ کار و تلاش پیشنهاد می گردد.

کلیدواژه ها: کوچ نشینی، اشتغال، زنان، سوخسوهاشم، خراسان شمالی.

مقدمه

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی نمود. در جهت این پویایی، بی‌تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر می‌شود (تقی بیگی، ۱۳۹۰: ۲). به‌طور کلی بهبود هر چه بیشتر وضعیت مردم و رسیدن آن‌ها به زندگی سالم‌تر و انسانی‌تر، از اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی برنامه‌ریزان و مسئولین هر کشوری است که لازمه‌ی تحقق این هدف آن است که به تمامی گروه‌ها منتخب و هر دو جنس توجه شود. هر چه حضور فعال زنان در اداره امور اجتماعی بیشتر باشد، آن کشور از درجه توسعه یافتگی بیشتری برخوردار خواهد بود (حسین آبادی و عبداللهی، ۱۳۹۳). از آنجا که روستاها نقش مهمی در توسعه کشورهای جهان سوم بازی می‌کنند، مهم‌ترین زمینه‌ای که می‌تواند موجب توسعه روستایی شود اشتغال زنان است (پوررجب و همکاران، ۱۳۹۲) اما تحولات کنونی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا علی‌رغم پیامدهای مثبتی که جهت بهبود شرایط زیست در روستا داشته، سبب گردیده تا از نقش فعال زنان در عرصه تولید کاسته شود و زنان روستایی تولیدکننده سابق، تبدیل به زنان خانه‌دار مصرف‌کننده شوند. این امر نه تنها پیامدهای منفی در عرصه اقتصاد به جای می‌گذارد بلکه عملاً قشر فعال عظیمی را از فرایند تولید حذف کرده و رشد اقتصاد ملی را نیز کند کرده است (علوی زاده و همکاران، ۱۳۹۹). افزایش نرخ بیکاری در روستاها خصوصاً در قشر زنان و جوانان، باعث مشکلات بسیار زیادی مانند حاشیه نشینی، کاهش کیفیت زندگی، کمبود اشتغال، افزایش مهاجرت به شهرها و در نتیجه افزایش جرم و جنایت در شهرها شده است (نجفی کانی و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع این اشتغال‌زایی و کارآفرینی است که از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران در امر توسعه پایدار مناطق روستایی می‌باشد چرا که کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی، باعث بهبود شرایط اقتصادی و ارتقاء کیفیت زندگی روستائیان شده و با توزیع مناسب درآمد، زمینه ساز ایجاد تعادل منطقه‌ای می‌شود (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۶).

استان خراسان شمالی که جزو استان‌های با درصد بالای روستائینی و استانی در قلمرو کوچ‌نشینان محسوب می‌گردد؛ علی‌رغم پتانسیل‌های بالا در زمینه‌های منابع آب و خاک، منابع طبیعی، منابع معدنی، صنایع دستی و خدمات گردشگری، متأسفانه با نرخ بیکاری بالا بویژه در مناطق روستایی و به خصوص در بین جامعه زنان مواجه است و مضاعف اینکه با بیکاری پنهان در بخش کشاورزی در برخی از فصول سال، مواجه است. متأسفانه کم توجهی به جامعه روستایی را در مناطق عشایری در سطح کشور شدیدتر می‌بینیم برای مثال بررسی وضعیت تعداد تسهیلات پرداختی مناطق عشایری و مناطق مرزی استان خراسان شمالی نشان می‌دهد که در سطح استان، توزیع تسهیلات به شکل متوازن نبوده و در قانون اشتغال پایدار روستایی، هم در توزیع رسته‌های اولویت دار و هم در پراکنش فضایی آن، تسهیلات به درستی توزیع نشده است چراکه اکثر نواحی دور از مرکز و نواحی مرزی، چندان از این تسهیلات برخوردار نشده‌اند. نواحی مرزی که با کاهش جمعیت مواجه هستند نتوانسته‌اند به طور مناسب از تسهیلات اشتغال استفاده نمایند. در واقع کاهش جمعیت نوار مرزی و افزایش جمعیت روستاهای اطراف شهرهای بزرگ، موید این مطلب می‌باشد (پارسی پور و همکاران، ۱۴۰۰).

به دلیل محدودیت در منابع و سرمایه‌گذاری کلان، راهکار برون رفت از چالش‌های موجود و بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی در روستاها، تکیه بر توانمندی‌های بومی و درونی روستاها با انجام مطالعات کاربردی، برنامه‌ریزی و اجرا جهت ایجاد و تقویت اشتغال می‌باشد. بر این اساس، در پژوهش حاضر به بررسی و شناخت رفع موانع فراروی توسعه اشتغال زنان در روستاهای استان خراسان شمالی پرداخته خواهد شد. هدف از این پژوهش؛ شناخت وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان روستاهای مناطق مرزی و کوچ‌نشین استان خراسان شمالی و متعاقب آن شناخت عوامل مؤثر بر بهبود اشتغال زنان در این مناطق می‌باشد.

سواری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین موانع گسترش صنایع دستی از دیدگاه زنان روستایی این شهرستان، عدم توجه و حمایت‌های دولتی از بخش صنایع دستی است. صیده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر توانمندی شغلی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ایلام) که از پرسشگری ۳۲۳ نفر از زنان روستایی انجام شد، به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای موانع شغلی، ویژگی‌های روان‌شناختی، وضعیت اقتصادی، عوامل آموزشی، حمایت خانواده، سطح تحصیلات، نوع فعالیت اقتصادی و موقعیت اجتماعی، از عواملی هستند که بر توانمندی شغلی زنان روستایی تأثیر می‌گذارند بنابراین نبود این توانمندی‌ها می‌تواند از موانع توسعه اشتغال این زنان باشد. رفعت‌جاه و خیرخواه (۱۳۹۲) در پژوهشی به مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان مدیریتی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، همه مدیران به اهمیت اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی اشتغال زنان باور داشتند از این‌رو شایسته است موانع ساختاری و فرهنگی اشتغال آنان رفع و شرایط مناسبی برای آنان فراهم شود.

یافته‌های مطالعه همتی‌وینه و همکاران (۱۳۹۱) باهدف شناسایی موانع مشاغل خانگی و کسب و کار زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، نشان داد چهار مانع فردی، مالی- اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و قانونی- نهادی به ترتیب بیشترین اولویت را در ایجاد محدودیت برای مشاغل خانگی زنان روستایی این شهرستان داشته‌اند.

جایچاندردان (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان هنجارهای اجتماعی به عنوان مانعی برای اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه، به بررسی موانع فرهنگی مشارکت و موفقیت زنان در بازار کار در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. او با بحث در مورد رابطه بین توسعه اقتصادی و اشتغال زنان شروع می‌کند و استدلال می‌کند که هنجارهای فرهنگی به توضیح تفاوت‌های بزرگ در اشتغال زنان در میان کشورهای هم سطح توسعه کمک می‌کند. بنگارست و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی موانع توسعه فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زا در میان زنان روستایی در هند پرداخته‌اند. ضرورت سیاستگذاری برای توسعه کارآفرینی بین زنان روستایی به دلایل متعددی بیش از همان ضرورت برای مردان است. مهمترین این دلایل کمبود نرخ کارآفرینی زنان روستایی در مقایسه با مردان به علت موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های آنان در عین افزایش حضور اجتماعی زنان در جامعه می‌باشد. آلفاران و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود که به موانع نهادی اشتغال زنان در عربستان سعودی پرداخته‌اند به این نتیجه رسیدند که از موانع اشتغال زنان در عربستان سعودی اول، موانع فرهنگی و نظارتی قابل توجه یک جامعه محافظه کار، موانعی برای موفقیت سیاست اشتغال عربستان سعودی است. دوم، تبعیض علیه زنان در جامعه سعودی رایج است. سوم، به دلیل مقررات دولتی، محدودیت‌های فرهنگی و نظام آموزشی جنسیتی، بخش خصوصی از طریق اعمال تبعیض آمیز به حفظ بخش‌بندی بازار کار کمک می‌کند. پژوهش رومی و پاروت (۲۰۰۸) در ارتباط با موانع توسعه و پیشرفت زنان کارآفرین در پاکستان نشان داد که عدم دسترسی به سرمایه، زمین، محل کسب و کار، فناوری اطلاعات، آموزش، نگرش‌های ذاتی جامعه مردسالار، عدم تشویق زنان توسط اعضای خانواده و کمبود سرمایه‌های اجتماعی، مهم ترین موانع پیشروی زنان در توسعه کارآفرینی است.

هدف از توسعه روستایی، بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی و معیشت گروه‌های مختلف جامعه روستایی بویژه افراد بی بضاعت و کم توان مالی است (نانکلی کل آبادی و همکاران: ۱۴۰۰). به طور کلی توسعه روستایی فرآیند چند بُعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر روستایی است. فرآیندی که با بهره‌گیری از سازوکارهای چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختار ذهنی و اجتماعی روستائیان تلاش می‌کند که در آنها قدرت توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت نماید تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مطلوب‌تر تغییر دهند (از کیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۸).

برنامه‌های توسعه‌ی روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه‌ی هر کشور به شمار می‌آید که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی- اقتصادی جامعه‌ی روستایی به کار می‌رود. این برنامه‌ها توسط دولت و کارگزاران آن‌ها در مناطق روستایی اجرا می‌شود. این امر در میان کشورهای در حال توسعه که دولت نقش اساسی در تلاش برای تجدید ساختمان جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاص به عهده دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۳).

در ارتباط با نظریه‌های شغلی زنان، با نظریه‌های مهمی مواجه هستیم که بطور خلاصه عبارتند از:

نظریه مبتنی بر جنسیت: این نظریه به این نکته اشاره دارد که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و خانواده، به یکدیگر مرتبط هستند و این جزئی از یک سیستم اجتماعی است که زنان را تابع مردان می‌داند. یک موضوع کلیدی (نه فرضی) در نظریه‌های جنسیت، اختصاص کار خانگی (به ویژه مراقبت کودک) به زنها است (اریب، ۱۳۹۸، ۱۳).

نظریه کارکردگرایی: از نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، تنها نقش اساسی زنان در جامعه، برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی است و نباید تغییری در این نقش‌ها ایجاد گردد. همچنین تقسیم کار جنسی، در خانواده متضمن خرسندی افراد و وجود خانواده‌ای کارا و با ثبات است. این تقسیم کار به نفع هر دو جنس و جامعه است. رابرت لین در کتاب "زندگی سیاسی" می‌گوید «مشارکت زنان در امور سیاسی یا هر نوع وابستگی خارج از خانه، به معنی دزدی از فرصت‌های خانوادگی است (ساروخانی و گودرزی، ۱۳۸۹).

نظریه نئوکلاسیک: نظریه‌های نئوکلاسیک برای تشریح تفاوت‌های جنسیتی و این که چرا درآمد حاصل از کار زنان، کمتر از مردان است، به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابجایی در کار تأکید می‌کند که این متغیرها بهره‌وری کار و عرضه کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۳).

نظریه رویکرد سرمایه انسانی؛ رویکرد سرمایه انسانی به عدم جایگزینی کامل مرد و زن در بازار کار اشاره دارد. اگر چه ممکن است که حتی زنان و مردان از هوش و یا تحصیلاتی مشابهی برخوردار باشند ولی باز هم زنان، سرمایه انسانی کمتری از تجربه‌های کاری کسب می‌کنند زیرا زنان در مقایسه با مردان سال‌های کمتری را به عنوان نیروی کار صرف کرده و تفاوت‌هایی در تولیدات بین زنان و مردان ظاهر می‌گردد بنابراین تفاوت‌های پرداختی به آنها به نوعی انعکاسی از کیفیت کار آنهاست. عده‌ای از اقتصاددانان معتقدند که این حالت منعکس‌کننده تاثیرات خانواده برمنحنی عرضه نیروی کار زنان است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۳).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، از جمله پژوهش‌های کاربردی است. بدین‌گونه که نتایج این تحقیق، در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها، در اختیار سازمان‌ها و نهادهای دولتی و محلی قرار می‌گیرد تا در جهت رفع موانع توسعه اشتغال زنان اقدام نمایند. از نظر ماهیت و روش انجام، این مطالعه توصیفی-تحلیلی می‌باشد. به عبارتی، ابتدا با استفاده از روش‌های گوناگون، اطلاعات با مطالعه منابع کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع تحقیق از جمله کتب، مقالات و آمارنامه‌های رسمی، جمع‌آوری و توصیف شدند و در مرحله بعد، با در نظر گرفتن وضع موجود، داده‌ها و اطلاعات با استفاده از نرم افزارهای Excel و SPSS تجزیه و تحلیل گردیدند. از نظر روش گردآوری داده‌ها از روش‌های مصاحبه و روش ارزیابی مشارکت روستایی (PRA) استفاده شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم افزار SPSS و از میانگین و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جامعه مورد مطالعه، شامل جامعه زنان آگاه و کارآفرین روستایی و خبرگان و مطلعین روستا می‌باشد. نمونه‌گیری این پژوهش از نوع گلوله‌برفی است و سعی شد با این روش، تمام زنان کارآفرین، متخصص و یا علاقمند به اشتغالزایی شناسایی (۶۸ نفر) و مورد مصاحبه قرار گیرند. در خصوص سوالات مصاحبه، برای تجزیه و تحلیل متغیرهای اسمی، از آمار توصیفی شامل جدول و نمودار توزیع فراوانی، درصد فراوانی و فراوانی نسبی استفاده شد اما برای تجزیه و تحلیل متغیرهای رتبه‌ای و فاصله‌ای، از آزمون‌های استنباطی در سطح اطمینان ۰٫۹۵ استفاده شد. برای تایید روایی سوالات مصاحبه از نظرات کارشناسان و متخصصین این حوزه استفاده گردید، بدین صورت که ابتدا پرسشنامه نیمه ساخت‌یافته اولیه طراحی شده در اختیار تعدادی از متخصصین این حوزه قرار گرفت و بعد از اصلاحات جزئی نهایی گردید و در بین پاسخگویان توزیع گردید.

جدول ۱. تعداد جامعه نمونه روستاهای مورد مطالعه

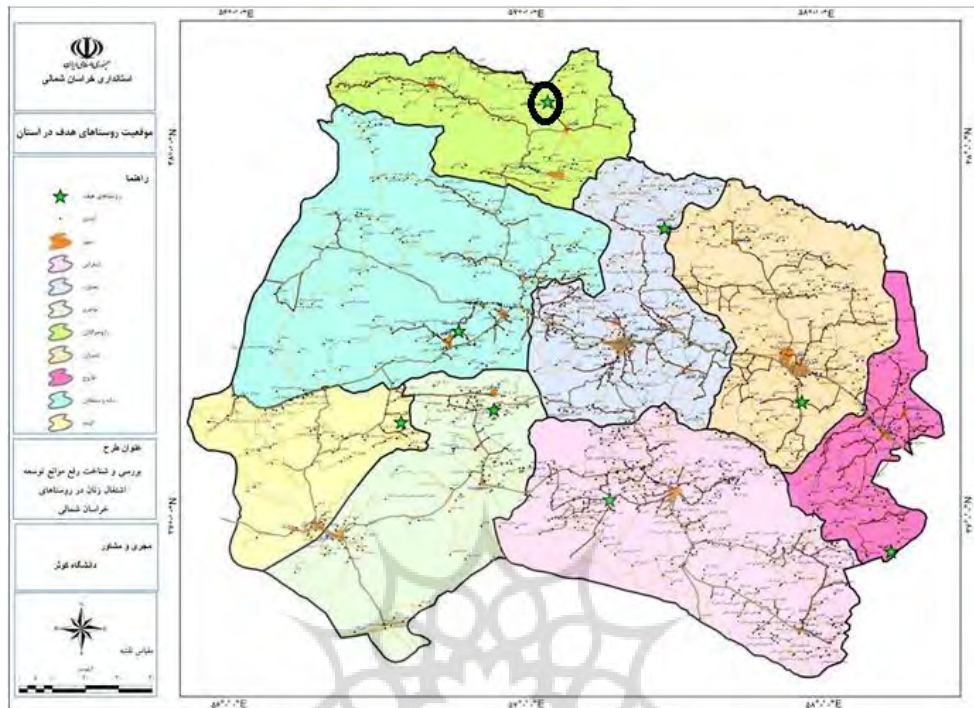
نام شهرستان	نام دهستان	نام روستای هدف	طول جغرافیایی (شرقی)	عرض جغرافیایی (شمالی)	فاصله تا نزدیکترین شهر (کیلومتر)	فاصله تا مرکز شهرستان (کیلومتر)
راز و جرگلان	راستقان	سوخسوهاشم	۵۷° ۰۴' ۳۳"	۳۸° ۰۸' ۰۸"	۱۱	۴۶

منبع: ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان شمالی، ۱۴۰۲

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان خراسان شمالی با ۹ شهرستان در شمال شرقی کشور قرار دارد که با جمعیت حدود ۵۰۰۰ نفری عشایر، جزو استان‌های در قلمرو کوچ‌نشینان محسوب می‌گردد و شهرستان مرزی راز و جرگلان در منطقه مرزی ترکمنستان نیز در مسیر تردد ییلاق و قشلاق عشایر قرار دارد که در این پژوهش به وضعیت اشتغال زنان در یکی از روستاهای این شهرستان به نام سوخسوهاشم پرداخته می‌شود. نتایج آمار سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهند که مناطق روستایی استان خراسان شمالی دارای ۲۹۹۸۹۴ نفر جمعیت بالای ۱۰ ساله بوده است که از این تعداد ۱۵۰۴۴۱ نفر جمعیت سهم زنان است. از کل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان، ۲۲۵۰۸ نفر

فعال هستند (۱۲ درصد) که با توجه به پتانسیل بالای روستاهای استان، میزان نامطلوبی را نشان می‌دهد. همچنین، از کل جمعیت فعال زنان روستایی، ۳۵۳۳ نفر بیکار هستند که برابر با ۱۵,۷ درصد است.



شکل ۱. نقشه موقعیت روستای سوخسو هاشم در خراسان شمالی (منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی، ۱۴۰۲)

روستای سوخسو هاشم در سال ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۱۲۰۵، ۱۳۵۹ و ۱۴۴۱ نفر جمعیت داشته است که بر مبنای آمار دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۴۰۲ دارای ۱۵۳۱ نفر جمعیت می‌باشد بنابراین این روستا با نرخ رشد جمعیت حدود یک درصدی با افزایش جمعیت مواجه است. از ۱۴۴۱ نفر جمعیت این روستا، ۷۲۳ نفر مرد و ۷۱۸ نفر زن هستند. طبق آخرین آمار، نرخ بی‌سوادی زنان روستا ۳۲ درصد، نرخ فعالیت اقتصادی زنان ۱۷ درصد و نرخ بیکاری زنان ۳۴ درصد است. این آمار نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب شاخص‌ها برای جامعه زنان در این روستا است و بنابراین نیازمند توجه جدی است.

یافته‌ها و بحث

شناخت تنگناها و قابلیت‌ها، یکی از مهمترین مراحل مطالعات روستایی است چراکه با شناخت تنگناها و قابلیت‌های مختلف روستا، می‌توان در جهت رفع محدودیت‌ها و بهره‌برداری از ظرفیت‌ها گام برداشت. در ارائه تمام برنامه‌ها و راهبردها باید به قابلیت‌های روستاها و محدودیت‌های آنها توجه ویژه کرد. به عبارتی می‌توان گفت، ارائه هر برنامه و طرح، بدون توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روستا مسلماً با شکست مواجه می‌شود.

بنابراین با جمع‌بندی از مطالعات وضع موجود و مصاحبه در مورد قابلیت‌ها و تنگناهای اشتغال‌زایی، قابلیت‌ها و تنگناهای روستای هدف در چهار بعد: ۱- طبیعی؛ ۲- اجتماعی-انسانی؛ ۳- اقتصادی-تولیدی و اشتغال ۴- فضایی - کالبدی و زیرساختی ارائه شده‌اند.

جدول ۲. قابلیت‌ها و تنگناهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی روستای سوخسو هاشم

عنوان	طبیعی	اجتماعی	اقتصادی	زیرساختی
قابلیت‌ها	- وجود منابع آبی نسبتاً خوب - وجود مراتع و گیاهان دارویی	- فعالیت و انگیزه بالای زنان در اشتغالزایی و کارآفرینی - پایین آمدن تعصبات قومی و قبیله‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی زنان	- وجود تعداد فراوان دام سبک و سنگین - مهارت و علاقه زیاد مردم در حوزه دامداری - افزایش توجه به حوزه اشتغالزایی روستایی از سوی نهادهای دولتی و حکومتی	- وجود امکانات اساسی مانند برق، گاز، تلفن و ...
تنگناها	- سیل - سرمازدگی - خشکسالی	- بالا بودن نرخ بی‌سوادی زنان - وجود محدودیت‌های فرهنگی و مشکلات اجتماعی - اجرایی نشدن بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌های اشتغالزایی روستایی - کاهش اعتماد مردم به نهادهای رسمی	- کمبود سرمایه اولیه زنان برای اشتغالزایی - آگاهی پایین زنان درباره اشتغال‌های جدید و تسهیلات اشتغالزایی - پرهزینه بودن وسایل و تجهیزات اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی روستایی	- وضعیت زیرساختی و خدماتی نامناسب - دوری از مراکز شهری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت و رفع موانع اشتغال زنان روستایی می‌باشد. برای رسیدن به این هدف پنج مرحله طی شده است. در مرحله اول، با مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها، گزارش‌ها، پایان‌نامه‌ها و منابع مرتبط دیگر، متغیرهای موانع توسعه اشتغال زنان شناسایی شدند. در مرحله دوم برای انتخاب نهایی متغیرها، با روش مصاحبه و با نظر متخصصان محلی، متغیرهای اصلی و نهایی موانع توسعه اشتغال زنان استان خراسان شمالی پالایش و انتخاب شدند. در این میان بعضی از متغیرها حذف و برخی دیگر نیز با هم ترکیب شدند. پس از شناسایی متغیرها از منابع مختلف و نهایی کردن آن‌ها، در مرحله سوم، این متغیرها طبقه‌بندی گردیدند. طبق مطالعات، مصاحبه‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته، در نهایت، موانع توسعه اشتغال زنان در چهار بُعد طبقه‌بندی شدند. این ابعاد شامل: ۱- بعد اقتصادی- مالی؛ ۲- بعد فردی؛ ۳- بعد اجتماعی- فرهنگی و ۴- بعد نهادی- قانونی می‌باشند. هر یک از ابعاد دارای متغیرهایی هستند که قابل اندازه‌گیری می‌باشند. جدول شماره ۳ ابعاد و متغیرهای موانع توسعه اشتغال زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ابعاد و متغیرهای نهایی موانع توسعه اشتغال زنان

ابعاد	متغیرها
بعد اقتصادی- مالی	نبود سرمایه اولیه برای ایجاد مشاغل پرهزینه بودن وسایل و تجهیزات اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار نبود مکان مناسب برای اشتغال عدم دسترسی به مواد اولیه و دشواری تهیه آنها قیمت پایین محصولات و خدمات تولید شده روستا در بازار فروش مشکل بازاریابی و دسترسی ضعیف زنان روستا به بازار دستمزدهای پایین زنان نبود تلاش و پشتکار نبود اعتماد به نفس نبود خلاقیت و نوآوری ریسک‌پذیری پایین
بعد فردی	حمایت مالی کافی از سوی همسر و عدم نیاز به اشتغال تجربه شکست قبلی در اشتغالزایی نداشتن مهارت و تجربه جهت کارآفرینی و اشتغالزایی عدم وجود انگیزه کافی جهت اشتغالزایی نبود علاقه به اشتغالزایی و کارآفرینی (علاقه به کار در منزل) مسئولیت‌های زیاد در منزل و نداشتن زمان تعداد زیاد فرزندان در منزل
بعد اجتماعی-	طرز نگرش جامعه روستایی به وظایف زنان (زنان باید به امور خانواده بپردازند) عدم حمایت و تشویق از سوی خانواده

فرهنگی

طرز نگرش خود درباره وظایف زنان (به نظر من زن باید در منزل کار کند و مرد نان آور خانه باشد)

محدودیت‌های قومی و فرهنگی روستا جهت اشتغالزایی زنان

محدودیت‌های خانوادگی (ممانعت همسر یا خانواده)

ضعف و تأخیر در پرداخت تسهیلات بانکی برای ایجاد مشاغل روستایی

بعد نهادی -

قانونی

عدم دسترسی به تسهیلات دولتی به علت نداشتن وثیقه و ضامن

مراحل اداری سخت و فراوان جهت اخذ مجوز تأسیس مشاغل روستایی

دوری از مراکز فنی و حرفه‌ای و مراکز صدور پروانه یا مجوز

ضعف در آموزش و ترویج جهت آشنایی زنان با کارآفرینی و ایجاد کسب و کار

نبود صندوق، تعاونی یا تشکل اشتغال زنان در روستا

محدودیت‌های قانونی

نبود نظام بیمه‌ای مناسب برای زنان و مشاغل خانگی

عدم آگاهی از تسهیلات، حمایت‌ها و نحوه شروع کسب و کار

عدم آگاهی از زمینه‌ها و پتانسیل‌های اشتغال روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

در مرحله چهارم، میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها با روش مصاحبه ساختار یافته، بررسی شدند. در واقع، میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها با استفاده سوالات از پیش تعیین شده و با طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت، در مرحله پنجم، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های مختلف مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند که در ادامه شرح داده می‌شود.

طبق مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی، همواره یکی از مهمترین موانع توسعه اشتغال زنان روستایی، موانع اقتصادی-مالی هستند. برای بررسی موانع اقتصادی-مالی از ۷ متغیر «نبود سرمایه اولیه برای ایجاد مشاغل»، «پرهزینه بودن وسایل و تجهیزات اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار»، «نبود مکان مناسب برای اشتغال»، «عدم دسترسی به مواد اولیه و دشواری تهیه آنها»، «دستمزدهای پایین زنان» «قیمت پایین محصولات و خدمات تولید شده روستا در بازار فروش» و «مشکل بازاریابی و دسترسی ضعیف زنان روستا به بازار» استفاده شده است. متغیرهای اقتصادی-مالی موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با آزمون‌های آمار استنباطی (آزمون تی- تک‌نمونه‌ای) مورد تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، متغیرهای اقتصادی-مالی، به وسیله ابزار compute در نرم افزار SPSS ترکیب و یکسان‌سازی شدند تا به عنوان یک شاخص، وضعیت بعد اقتصادی-مالی را نشان دهد. میانگین مفروض از این ۷ متغیر باید ۲۱ باشد. طبق نتایج تحلیل، میانگین بدست آمده ۲۷،۷۶ است که نشان می‌دهد موانع اقتصادی-مالی، از موانع بسیار مهم اشتغالزایی زنان هستند. میزان T در این آزمون ۲۷،۸۵ و اختلاف میانگین بدست آمده با میانگین مفروض ۶،۷۶ می‌باشد.

جدول ۴. یکسان سازی و ترکیب نمره متغیرها برای موانع اقتصادی-مالی از دیدگاه زنان آگاه و کارآفرین روستایی و خبرگان و مطلعین روستا

Sig	T	Test value	Mean	Compute
۰،۰۰۰	۲۷،۸۵	۲۱	۲۷،۷۶	موانع اقتصادی-مالی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

طبق مطالعات کتابخانه‌ای، یکی دیگر از موانع توسعه اشتغال زنان روستایی، موانع فردی و شخصیتی است. در این پژوهش، برای بررسی موانع فردی از ۱۱ متغیر «نبود تلاش و پشتکار»، «نبود اعتماد به نفس»، «نبود خلاقیت و نوآوری»، «ریسک‌پذیری پایین»، «حمایت مالی کافی از سوی همسر و عدم نیاز به اشتغال»، «تجربه شکست قبلی در اشتغالزایی»، «نداشتن مهارت و تجربه جهت کارآفرینی و اشتغالزایی»، «عدم وجود انگیزه کافی جهت اشتغالزایی»، «نبود علاقه به اشتغالزایی و کارآفرینی»، «مسوولیت‌های زیاد در منزل و نداشتن زمان» و «تعداد زیاد فرزندان در منزل» استفاده شده است. متغیرهای فردی موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته و با استفاده از نرم افزار SPSS و با آزمون‌های آمار استنباطی (آزمون تی- تک‌نمونه‌ای) مورد تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، متغیرهای فردی، به وسیله ابزار compute در نرم افزار SPSS ترکیب و یکسان‌سازی شدند تا به عنوان یک شاخص، وضعیت بعد فردی را نشان دهد. در خصوص متغیرهای فردی، میانگین مفروض از این ۱۱ متغیر، باید ۳۳ باشد، اما طبق نتایج تحلیل، میانگین بدست آمده ۲۲،۶۹ است. میزان T در این

آزمون ۲۰,۷- و اختلاف میانگین بدست آمده با میانگین مفروض ۱۰,۳۱- می‌باشد که نشان می‌دهد، موانع فردی، تأثیر کمتری در اشتغالزایی زنان روستایی دارند.

جدول ۵. یکسان‌سازی و ترکیب نمره متغیرها برای موانع فردی از دیدگاه زنان آگاه و کارآفرین روستایی و خبرگان و مطلعین روستا

Sig	T	Test value	Mean	Compute
.۰۰۰۰	-۲۰,۷	۳۳	۲۲,۶۹	موانع فردی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

یکی دیگر از موانع توسعه اشتغال زنان روستایی، موانع اجتماعی-فرهنگی است. در این پژوهش، برای بررسی موانع اجتماعی-فرهنگی از ۵ متغیر «عدم حمایت و تشویق از سوی خانواده»، «طرز نگرش جامعه روستایی به وظایف زنان»، «طرز نگرش خود درباره وظایف زنان»، «محدودیت‌های فرهنگی روستا جهت اشتغالزایی زنان» و «محدودیت‌های خانوادگی» استفاده شده است. متغیرهای اجتماعی-فرهنگی موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته و با آزمون‌های آمار استنباطی (آزمون تی- تک‌نمونه‌ای) مورد تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، متغیرهای اجتماعی، به وسیله ابزار compute در نرم افزار SPSS ترکیب و یکسان‌سازی شدند تا به عنوان یک شاخص، وضعیت بعد اجتماعی را نشان دهد. در متغیرهای اجتماعی-فرهنگی، میانگین مفروض از این ۵ متغیر، باید ۱۵ باشد، اما طبق نتایج تحلیل، میانگین بدست آمده ۶,۸۴ است. میزان T در این آزمون ۳۸,۸- و اختلاف میانگین بدست آمده با میانگین مفروض ۸,۲- می‌باشد که نشان می‌دهد، موانع اجتماعی-فرهنگی، تأثیر خیلی کمتری در اشتغالزایی زنان روستایی دارند.

جدول ۶. یکسان‌سازی و ترکیب نمره متغیرها برای موانع اجتماعی-فرهنگی از دیدگاه زنان آگاه و کارآفرین روستایی و مطلعین روستا

Sig	T	Test value	Mean	Compute
.۰۰۰۰	-۳۸,۸۲	۱۵	۶,۸۴	موانع اجتماعی-فرهنگی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

یکی دیگر از موانع مهم توسعه اشتغال زنان روستایی، موانع نهادی-قانونی هستند. در این پژوهش، برای بررسی موانع نهادی-قانونی از ۱۰ متغیر «عدم آگاهی از زمینه‌ها و پتانسیل‌های اشتغال روستایی»، «عدم آگاهی از تسهیلات، حمایت‌ها و نحوه شروع کسب و کار»، «ضعف در آموزش و ترویج جهت آشنایی زنان با کارآفرینی و ایجاد کسب و کار»، «نبود صندوق، تعاونی یا تشکل اشتغال زنان در روستا»، «ضعف و تأخیر در پرداخت تسهیلات بانکی برای ایجاد مشاغل روستایی»، «عدم دسترسی به تسهیلات دولتی به علت نداشتن وثیقه و ضامن»، «مراحل اداری سخت و فراوان جهت اخذ مجوز تأسیس مشاغل روستایی»، «دوری از مراکز فنی و حرفه‌ای و مراکز صدور پروانه یا مجوز»، «محدودیت‌های قانونی» و «نبود نظام بیمه‌ای مناسب برای زنان و مشاغل خانگی»، استفاده شده است. متغیرهای نهادی-قانونی موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته و با آزمون‌های آمار استنباطی (آزمون تی- تک‌نمونه‌ای) مورد تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، متغیرهای نهادی-قانونی، به وسیله ابزار compute در نرم‌افزار SPSS ترکیب و یکسان‌سازی شدند تا به عنوان یک شاخص، وضعیت بعد اجتماعی را نشان دهد. در متغیرهای نهادی-قانونی میانگین مفروض از این ۱۰ متغیر، باید ۳۰ باشد، اما طبق نتایج تحلیل، میانگین بدست آمده ۳۵,۲۲ است. میزان T در این آزمون ۱۹,۱ و اختلاف میانگین بدست آمده با میانگین مفروض ۵,۲ می‌باشد. که نشان می‌دهد، موانع نهادی-قانونی، تأثیر زیادی در اشتغالزایی زنان روستایی دارند.

جدول ۷. یکسان‌سازی و ترکیب نمره متغیرها برای موانع نهادی-قانونی از دیدگاه زنان آگاه و کارآفرین روستایی و مطلعین روستا

Sig	T	Test value	Mean	Compute
.۰۰۰۰	۱۹,۱	۳۰	۳۵,۲۲	موانع نهادی-قانونی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

نتیجه گیری

مقایسه ضریب T نشان داد که در روستای سوخسوهاشم ابعاد اقتصادی- مالی با ضریب ۲۷,۸ و نهادی-قانونی با ضریب ۱۹,۱ مهمترین موانع اشتغال زنان روستایی هستند (تأیید فرضیه). همچنین، موانع اجتماعی- فرهنگی با ضریب ۳۸,۸- و فردی با ضریب ۲۰,۷- کمترین نقش را دارند. در بعد اقتصادی، نبود سرمایه اولیه برای راهاندازی مشاغل و نبود سرمایه در گردش و همچنین نوسانات بازار و قیمت پایین محصولات از مهمترین مشکلات جامعه محلی است. در بعد نهادی-قانونی، ضعف و تأخیر در پرداخت تسهیلات بانکی برای ایجاد مشاغل روستایی، عدم دسترسی به تسهیلات دولتی به علت نداشتن وثیقه و ضامن و مراحل اداری سخت و فراوان جهت اخذ مجوز تأسیس مشاغل روستایی از مهمترین مشکلات روستاییان سوخسوهاشم است. روستای سوخسوهاشم به عنوان یک روستای مرزی در محدوده و قلمرو رفت و آمد جامعه عشایر منطقه، شاهد کم توجهی اداری و عدم هماهنگی بین اداری و نهادی است. بنابراین طبق نتایج این بخش، موقعیت جغرافیایی و فاصله روستا از مرکز شهرستان، تأثیر زیادی بر موانع توسعه اشتغال زنان داشته است. طبق مصاحبه‌های صورت گرفته، موانع اجتماعی و فرهنگی نیز در این روستا تا حدودی وجود دارد و در بعضی موارد، مانع اشتغال زنان، به ویژه اشتغال در خارج از روستا، شده است. بنابراین، در خصوص نتایج حاصله و مقایسه نتایج با مطالعات مشابه قبلی (قربانی پیرعلیده، ۱۳۹۹) می توان اشاره کرد که نتایج حاصل شده، حکایت از آن دارد که متأسفانه در مسیر اشتغال بانوان، محدودیت های اجتماعی و فرهنگی در مناطق روستایی و عشایری وجود دارد؛ هرچند جامعه بانوان به لحاظ فردی مخالف این رویه است. از بعد اقتصادی هم، کمبود سرمایه وجود دارد که بی برنامه‌های قانونی و دولتی در برنامه های آموزشی و مهارتی، بر شدت این مشکلات می افزاید. این مشکلات، تأیید مطالعات خارجی که توسط رومی، آلفاران، جایچاندران و بنگارست انجام شده است، می باشد. مطالعات داخلی نیز همین نتایج را نشان می دهد. تنها برخی مطالعات مثل مطالعات همتی و صیده در بحث مشکلات فردی، با نتایج این پژوهش انطباق کاملی را نشان نمی دهد. در خصوص نظریه ها نیز می توان گفت نتایج این تحقیق حاکی از این است که برای توسعه اشتغال زنان نیاز به این است که بستر تغییر از رویکردهای جنسیت و کارکردگرایی، باید بسمت رویکرد سرمایه انسانی فراهم شود. در انتها، براساس مزیت‌ها، پتانسیل‌ها، تنگناها و محدودیت‌های روستای هدف، راهبردهایی در جهت رفع و تسهیل موانع توسعه اشتغال زنان روستایی ارائه می‌گردد:

تسهیلگری و آموزش اثربخش در روستاها در جهت اشتغالزایی زنان (آموزش از مراحل اولیه شروع اشتغال تا بازاریابی و فروش محصولات)؛

ایجاد بازارچه‌ها، جشنواره‌ها، مسابقات، روستا بازارها و فروشگاه‌های مجازی برای تولیدات روستایی؛

تسهیل روند اداری اخذ مهارت‌ها و مجوزهای مشاغل با توجه به شرایط زنان روستایی؛

ارائه تسهیلات با بهره پایین و دوره تنفس بالا و همچنین تسهیل روند و شرایط ارائه تسهیلات اشتغالزایی (ضامن و وثیقه) با توجه به

شرایط زنان روستایی (ضمانت‌های زنجیره‌ای، قبول سند زمین روستا و ...)

جلوگیری از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره ارزش تولیدات روستا؛

پوشش بیمه‌ای مناسب برای زنان شاغل؛

ایجاد صندوق‌های اعتباری خرد زنان؛

ترویج فرهنگ کار و تلاش از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری؛ و

ایجاد شرایط آشنایی و معرفی سرمایه‌گذاران به کارآفرینان زن روستایی.

برای تحقق هدف رفع موانع اشتغال زنان در روستای مورد مطالعه در چارچوب راهبردهای فوق و بر اساس مطالعات میدانی نیز پروژه های زیر معرفی می گردند.

جدول ۸. اولویت‌بندی پیشنهادی طرح‌ها و پروژه‌های روستای سوخسو هاشم

عنوان طرح‌ها	عنوان پروژه‌ها	توضیحات
قالی بافی	ارائه برنامه‌های آموزشی، ترویجی و تسهیلاتی درباره توسعه اخذ مدرک و بازاریابی افزایش پوشش بیمه قالی بافان ۱۲ مورد قالی بافی خانگی	در این روستا اکثر زنان مهارت بالایی در قالی بافی، به ویژه قالی دو رو ابریشم دارند. در حال حاضر اغلب زنان روستایی با حداقل دستمزد برای سرمایه‌گذاران کار می‌کنند. اگر به زنان روستا تسهیلات ارائه شود، می‌توانند دار قالی، نخ و سایر نهاده‌ها را تهیه کنند و برای خودشان کار کنند.
پشتی بافی	۸ مورد پشتی بافی	یکی دیگر از مهارت‌های منحصر به فرد زنان روستای سوخسو هاشم، پشتی بافی است. در این زمینه نیز، به علت کمبود سرمایه و مشکل بازاریابی، زنان با حداقل دستمزد برای سرمایه‌گذاران کار می‌کنند.
پرورش کرم ابریشم	۵ مورد پرورش کرم ابریشم	پرورش کرم ابریشم نیز از زمان‌های گذشته همراه با زنان روستای سوخسو هاشم بوده است و در این زمینه نیز دارای مهارت هستند.
خیاطی	آموزش و ارائه مدرک خیاطی ۱ مورد ایجاد کارگاه خیاطی ۲ مورد خیاطی خانگی	دو نفر در این روستا مدرک و مهارت خیاطی دارد و در حال حاضر به صورت خانگی مشغول هستند. بقیه زنان نیز علاقه بسیار زیادی به خیاطی دارند و درخواست آموزش دارند. زنان روستا معتقد بودند که ایجاد کارگاه خیاطی می‌تواند ۷ نفر از زنان در این روستا را شاغل کند.
پرورش طیور	۵ مورد جوجه کشی و پرورش طیور سنتی	---
لحاف دوزی	۱ مورد لحاف دوزی	---

منبع: مطالعات پیمایشی، ۱۴۰۲

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی. (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- اریب، لدا (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل موانع اشتغال زنان تحصیلکرده در افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد
- تقی بیگی، معصومه (۱۳۹۰). بررسی موانع و راهکارهای توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و متخصصان (مطالعه موردی: شهرستان اسلام آباد غرب)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی گزایش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی.
- حسین آبادی، فاطمه و عبداللهی، فائزه (۱۳۹۳). اشتغال زنان و نقش آن در توسعه اقتصاد کشور، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، اردبیل
- پارسی‌پور، حسن، حسین‌زاده، احمد و عاقلی‌مقدم، حمیدرضا (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل توزیع تسهیلات اشتغال پایدار روستایی در مناطق عشایری خراسان شمالی، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، ۱(۲)، ۲۱-۳۰.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر. (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- پوررجب میان‌دوب، پیمان، آزادمنش، شهرام و محمدی محمدرضا (۱۳۹۳). نگرشی جامعه‌شناختی به انگیزه های شروع کسب و کار در زنان کارآفرین روستایی، همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی.
- ساروخانی، باقر و گودرزی، ثریا (۱۳۸۹). اثرات اشتغال زنان بر خانواده، تحقیقی در بین زنان شاغل و متاهل وزارت کار و امور اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۱).
- صیده طیبیه، اشراقی، سامانی رویا و پورسعید، علیرضا (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر توانمندی شغلی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ایلام). راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، شماره ۲ (۴)، ۱۱-۲۱.
- علوی زاده، سید امیر محمد، شمس‌الدینی، علی وحسینی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی در شهرستان کاشمر، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۷ (ویژه نامه)، ۱۹۵-۲۱۸.
- عرب مازار عباس، علی پور، محمدصادق و زارع نیاکوک، یاسر (۱۳۹۳). تحلیل عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۴(۱۷ و ۱۸)، ۷۵-۹۱.
- قاسمی اردهایی، ع.، نوبخت، ر. و رستمی، ن. (۱۳۹۶). ماندگاری جوانان، کارآفرینی و اشتغال پایدار در مناطق روستایی شهرستان اهر. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۴(۲)، ۲۶۵-۲۷۹.
- قربانی پیرعلی‌دهی، ف (۱۳۹۹). موانع توسعه کسب و کارهای خانگی زنان در مناطق روستایی. مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی. ۱(۳)، ۲۶-۵.

همتی وینه، هانا، عابدی سروستانی، احمد، عبدالله زاده، غلامحسین و محبوبی، محمدرضا (۱۳۹۱). اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان مطالعه ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر.

نجفی کانی، علی اکبر، حسام، مهدی و آشور، حدیثه (۱۳۹۴). سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی (مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان)، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۱)، ۳۷-۵۶.

نانکلی کل آبادی، م، عباسی سمنانی، ع. و اسدیان، (۱۴۰۰). تحلیلی بر اقتصاد غیررسمی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: استان کردستان). فصلنامه مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۱۸(۶۹)، ۶۱-۸۳.

- Alfarran, A., Pyke, J. and Stanton, P. (2018). "Institutional barriers to women's employment in Saudi Arabia", *Equality, Diversity and Inclusion*, Vol. 37 No. 7, pp. 713-727.
- Bastas, M., & Aydindag, D. (2020). Evaluation of Cultural Dimensions and Barriers to Employment of Rural Women. *Journal of Social Sciences and Humanities Research*, 8(1), 54-57.
- Roomi, M.A. & Parrott, G. (2008). Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan, *The Journal of Entrepreneurship*, No 17, pp: 59-72.
- Jayachandran, S. (2021). Social Norms as a Barrier to Women's Employment in Developing Countries. *IMF Econ Rev* 69, 576-595.

